

سابق، تا حدودی برخی مشکلات مرتفع گردیده است و این جنبه مثبت قضیه است. اما برخی ابهامات هنوز برجا مانده؛ به طور مثال، حتی امروز هم شاید در آذربایجان خیلی‌ها ندانند که قره باغ مال چه کسی است، که این امر می‌تواند جنبه منفی تلقی شود و خود باعث بروز مناقشات دیگری در منطقه گردد. علاوه بر این، اعمال قدرت از سوی روسیه، آمریکا و سایر کشورهای اروپایی و همچنین اختلاف میان کشورهای منطقه‌ای در جهت نیل به اهداف خاص‌شان نیز می‌تواند تنش‌های شدیدی در منطقه ایجاد کند. در این راستا، ضرورت ایجاد می‌کند که، با توجه به وضعیت خاص قفقاز و زمینه‌های بالقوه تشدید بحران و تنش در منطقه، به راهکارهای مناسب برای افزایش امنیت و ثبات در قفقاز جنوبی توجه ویژه شود. بنابراین، تعامل بیشتر منطقه‌ای و همکاری‌های فرامرزی لازم است. در واقع، اوضاع قفقاز مثل یک بشکه باروت است که می‌تواند برای منطقه و برای همسایگان آن خطرناک باشد.

## فرهنگ و پول: مطالعه‌ای پیرامون آینده توسعه فرهنگی در جهان عرب

المستقبل العربي، عدد ۲۹۲، ص ص

۵۹-۷۹.

المنجی الزیدی

استاد دانشگاه و مشاور وزیر

فرهنگ تونس

ترجمه: شهید محمدی

در طول تاریخ هیچ‌گاه فرهنگ تا این حد به اقتصاد مرتبط نبوده است. در سالهای اخیر، پول کلیه مرزها را زیر پا نهاده و سیادت مطلق یافته است. مقاله حاضر تلاش دارد تا آینده توسعه فرهنگی جهان عرب را در آغاز قرن بیست و یکم به گونه‌ای مورد مطالعه قرار دهد که ضمن توجه به تحولات کنونی جهان و تبیین مهم‌ترین چالش‌های فراروی آن، موقعیت و وضعیت کشورهای عربی را نیز در این عرصه تحولات فرهنگی جهانی، ارزیابی نماید.

## جایگاه توسعه فرهنگی در جوامع عربی

ملتهای عربی هیچ وقت نسبت به اهمیت بعد فرهنگ در مقابله با چالشهای معاصر و تحقق بخشیدن به فرایند نهضت ملی خویش غافل نبوده اند، ضمن آنکه آگاهی عمیقی در مورد اهمیت تحولات جاری و چالشهایی که فرا روی کلیه ملتها قرار می دهد، داشته اند. اما انقلاب فناوری و انفجار معرفت شناختی بزرگی که در عرصه ارتباطات و اطلاعات به وجود آمد، باعث شد تا جهان عرب با یک «شوک آینده» مواجه شود. این شوک اعراب را متوجه خطرات و تهدیدهای فرهنگی پیرامون خود کرد. کشورهای عربی در حال حاضر نه تنها به اسرار انقلاب ارتباطات و اطلاعات دست نیافته اند، بلکه به علل و عوامل تبعیت شان از قدرتهای بزرگ نیز اضافه شده است. این عوامل که هم داخلی و هم خارجی هستند عبارتند از:

- بی سوادی و عدم تطابق برنامه های آموزشی و پرورشی با نیازهای جامعه و پیشرفتهای زمان؛  
- فقر تعدادی از کشورهای عربی و در

نتیجه نبود برنامه ریزی، تجربه و پول؛

- محدودیت دموکراسی فرهنگی و یا نبود آن به دلیل عدم آزادی و مشارکت مردمی در تعیین سیاستهای فرهنگی؛  
- فقدان سیاستهای فرهنگی و ضعف تولیدات فرهنگی و صنایع فرهنگی؛  
- مسلط بودن تبلیغات سرگرم کننده سطحی.

عوامل خارجی نیز عبارتند از:

- تسلط قدرتهای فرهنگی جهان که قدرت اقتصادی، صنعتی، علمی و فنی را نیز در اختیار دارند؛  
- تلاش این قدرتها بر تحمیل الگوها، تولیدات و ارزشهای خود و تبدیل دیگر کشورها به بازار مصرفی؛  
- ضعف کردن هویت و ساختار تکوین دیگر جوامع و از بین بردن تواناییهای ذاتی آن.

مسئله توسعه فرهنگی از دهه ۸۰ قرن گذشته میلادی تاکنون مورد توجه کشورهای عربی بوده است و حتی در سال ۱۹۹۶ در کشور تونس کنفرانسی تحت عنوان «فرهنگ و نقش آن در توسعه» با حضور وزیران فرهنگ

کشورهای عربی برگزار شد. همچنین در سال ۱۹۹۹؛  
 سال ۲۰۰۰ و با حضور وزرای فرهنگ  
 کشورهای عربی، کنفرانسی در ریاض  
 پایتخت عربستان سعودی با عنوان:  
 «فرهنگ سازی و تأسیس بازار مشترک  
 عربی» برگزار گردید.

چالشهای توسعه در آغاز قرن  
 بیست و یکم  
 گزارش سال ۲۰۰۱  
 سازمان ملل متحد در مورد توسعه انسانی  
 دستاوردها و چالشهای هزاره سوم را به  
 خوبی نشان می دهد.

– افزایش تعداد خانوارهای روستایی  
 که دسترسی به آب شرب دارند به میزان پنج  
 برابر؛  
 – افزایش درآمد سرانه شهروندان در  
 کشورهای در حال توسعه از ۱۳۰۰ دلار در  
 سال ۱۹۷۵ به ۲۵۰۰ دلار در سال ۱۹۹۸؛  
 – متحول شدن حیات سیاسی و بهبود  
 وضعیت آزادیهای طی ده سال گذشته، به  
 طوری که یک صد کشور توسعه نیافته و یا در  
 حال توسعه از سیستمهای نظامی و یا  
 تک حزبی رهایی یافتند و فرصت مشارکتهای  
 سیاسی افزایش پیدا کرد.

#### الف. دستاوردها ب. رشد نابرابر

طی سی سال گذشته پیشرفتهای  
 قابل ملاحظه ای در زمینه های زیر به دست  
 آمده است:  
 – افزایش امید زندگی کودکان به  
 میزان هشت سال بیش از کودکانی که  
 سی سال پیش به دنیا آمده اند؛  
 – افزایش میانگین آموزش و تحصیل از  
 ۴۷ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۷۳ درصد در  
 دستاوردهای فوق الذکر یکسان و  
 موزون نبوده اند. به طوری که کشورهای  
 شرق آسیا و منطقه اقیانوس آرام در کلیه  
 زمینه ها از رشد خوبی برخوردار بوده و در  
 مقابل کشورهای جنوب آسیا و آفریقا هنوز  
 عقب ماندگیهای بسیاری دارند و کماکان در  
 فقر به سر می برند و میزان بی سوادی در آن  
 کشورها بالاست. در این میان کشورهای

عربی اگرچه توانسته اند از میزان بی سوادى بکاهند و مرگ و میر کودکان را کنترل کنند، در زمینه های دیگر عقب ماندگی محسوسى دارند و میانگین رشد سالانه این کشورها از یک درصد تجاوز نمى کند.

## دورنمای فرهنگ در آغاز قرن

### بیست و یکم

#### ۱. مفاهیم نو

پیوند و ادغام فرهنگ و اقتصاد که طی سالهای اخیر از سرعت و شدت بسیارى نیز برخوردار بوده، مفاهیم نو و تازه ای را در گفتمان فرهنگ جهانی به وجود آورده است و احتمالاً بارزترین این مفاهیم به ترتیب زیر مى باشند:

الف. محصول فرهنگى: شامل کتاب،

مجله، نوار کاست، فیلم ویدئو، سی دی، دی.وی.دی و دیگر محصولاتی که به منظور ترویج یک موضوع فرهنگى ارایه مى شود و با خود اندیشه، ارزش و شیوه زندگى جامعه ای را به جامعه ای دیگر منتقل مى سازد.

ب. خدمات فرهنگى: بر خلاف

محصولات فرهنگى، نمى توان خدمات

فرهنگى را به راحتی برشمرد؛ زیرا این نوع خدمات بیشتر با تجارت و بازرگانى مرتبط هستند و از تنوع و تمایز بسیارى برخوردارند، اما هرگونه اقدامى را که برای ارایه یک محصول فرهنگى صورت مى گیرد، مى توان خدمات فرهنگى نام نهاد.

ج. صنایع فرهنگى: صنعت فرهنگى

عرصه ای است که در آن محصولات فرهنگى ابداع، تولید و بازاریابى مى شوند. در این

صنعت بعد اقتصادى و بعد فرهنگى محصولات کاملاً به یکدیگر نزدیک هستند، به گونه ای که میان اصحاب فرهنگ و کسانى که در مسایل اقتصادى سررشته دارند و مى توانند یک محصول فرهنگى را رواج دهند، ارتباط تنگاتنگى وجود دارد.

#### ۲. بازار جهانی جدید برای فرهنگ

آمارها و گزارشهای بین المللی نشان مى دهند که تجارت جهانی در زمینه تولید و توزیع محصولات فرهنگى طی دو دهه اخیر قرن بیستم چهار برابر شده است و معاملات بازرگانى در زمینه های کتاب، مجله، موسیقى، هنر، سینما، رادیو و تلویزیون و

بازی و سرگرمی بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. در این میدان وسیع فناوری و ارتباطات، ایالات متحده آمریکا برتری مطلقى دارد و پس از این کشور، ژاپن، آلمان و انگلستان بیشترین مبادلات فرهنگی را در سطح جهان در اختیار دارند.

### وضعیت جهان عرب در دورنمای فرهنگی جهان جدید

به رغم تمامی تلاشهای انجام شده در سطوح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهان عرب، ما همچنان شاهد عقب ماندگی شدید کشورهای عربی در عرصه فرهنگ جهانی هستیم. برای مثال، در کشورهای عربی تا سال ۱۹۹۶ تنها ۱۴۰ روزنامه با مجموع تیراژ ۹٫۲ میلیون نسخه در روز منتشر می‌شد، در حالی که تعداد روزنامه‌های ایالات متحده ۲۹۳۹ روزنامه با تیراژ ۱۱۱ میلیون نسخه در روز و تعداد روزنامه‌های شرق آسیا ۴۰۰ روزنامه با تیراژ ۱۰۲ میلیون نسخه در روز بوده است. در زمینه تعداد سالنهای سینما وضع از این هم

بدتر است. مجموع سالنهای سه کشور بزرگ عربی یعنی مصر، مغرب و اردن در حدود ۱٫۴ درصد سینماهای آمریکا می‌شود. نسبت استفاده کنندگان از اینترنت نیز مؤید فقر فرهنگی جهان عرب می‌باشد. طبق گزارش جهانی توسعه انسانی که در سال ۲۰۰۱ در پاریس منتشر شد، در سال ۲۰۰۰ حدود،

۵۴٫۲ درصد از آمریکایی‌ها و ۲۸٫۲ درصد از شهروندان کشورهای اروپایی از اینترنت استفاده می‌کردند، در حالی که این میزان در کشورهای عربی از ۰٫۶ درصد فراتر نرفته است.

### چالشهای فرهنگی در آستانه قرن بیست و یکم

۱. **دوگانگی رابطه فرهنگ و اقتصاد**  
عرصه فرهنگ جهان به مدد رشد و گسترش فناوری ارتباطات و اختراع پیچیده‌ترین دستگاهها، شرایطی را برای تولید کنندگان و مصرف کنندگان فراهم آورده است که به راحتی بتوانند هرگونه کالای فرهنگی را تولید و یا استفاده نمایند.

اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا فروش یک کالای فرهنگی آن هم در فرایند کنونی جهانی شدن به معنی تجارت است و یا به معنی تعامل فرهنگی؟ هم اینک کلیه کالاهای فرهنگی در بازار تجارت جهانی مورد داد و ستد قرار می‌گیرند، در حالی که این کالا بر خلاف کالاهای دیگر حامل اندیشه‌ها، ارزشها و در یک کلام هویت فرهنگی سازنده خویش می‌باشد. بنابراین، آیا این کالا همچون دیگر کالاها باید در بازار رقابتی وارد شود و یا اینکه خارج از دنیای پول و اقتصاد، در میان جوامع بشری رد و بدل شود؟

## ۲. استثنای فرهنگی

جهان گرایی اقتصادی سعی می‌کند که هرگونه مانعی در برابر سرمایه‌گذارها و انتقال آزادانه کالاهای مختلف را از میان بردارد و با درنوردیدن مرزهای زمانی و مکانی راه را برای آزادسازی حرکت کالاهای فرهنگی هموار نماید. اگرچه این شیوه در گذشته در بردارنده هدف ارزشمندی بود، در حال حاضر تبدیل به

شیوه‌ای برای سودآوری تجاری شده است. از سال ۱۹۵۰ سازمان یونسکو کشورهای عضو را تشویق می‌کند که به موافقت‌نامه فلورانس که در زمینه واردات کالاهای آموزشی، علمی و فرهنگی است، بپیوندند. تا سال ۲۰۰۰، ۹۴ کشور جهان با پیوستن به این موافقت‌نامه متعهد شده‌اند که به منظور اعمال اصل آشنایی و ایجاد درک متقابل میان ملتها، بر نشریات، کارهای فنی و تجهیزات علمی تعرفه گمرکی وضع نکنند. در سال ۱۹۶۷ با رسمیت یافتن پروتکل «نایروبی» زمینه مبادلات فرهنگی به وسایل سمعی و بصری نیز گسترش یافت. با وجود اینکه موافقت‌نامه‌های بین‌المللی متعددی که در این زمینه منعقد شده است به نوعی بیانگر آزادسازی فرهنگی می‌باشد، ضوابطی نیز برای حمایت از تولیدات ملی وضع شده است که می‌توان به این ضوابط استثنای فرهنگی گفت. جالب اینجاست که ایالات متحده نخستین کشوری بود که خواستار حمایت از تولیدات فرهنگی ملی خویش شده است. چندی پیش در مذاکرات سازمان تجارت جهانی مقرر شد که صنعت

تحقیق و پژوهش و توسعه دایره آگاهیها درباره هر آنچه که در زمینه سیاستهای فرهنگی صورت می‌گیرد، در کی علمی و دقیق از شرایط و اوضاع ملی، منطقه ای و جهانی به دست آوریم.

۳. از پایان قرن نوزدهم میان فرهنگ عربی- اسلامی و فرهنگ غربی ارتباط تنگاتنگی وجود داشته است. هم اکنون نیز نباید برای حفاظت از هویت عربی- اسلامی خود، با علم به اینکه فرهنگ وارداتی چه مضراتی ممکن است در برداشته باشد، درها را به روی خویش ببندیم، بلکه باید در تمامی زمینه های فرهنگی فعالیت کنیم و تولیدات فرهنگ ملی خود را افزایش دهیم.

۴. رابطه فعلی بین فرهنگ و اقتصاد، واقعه‌یستی است که باید در تمامی سیاست‌گذاریهای فرهنگی آن را لحاظ کرد. برای تقویت فرهنگ عربی، دولتها باید حداقل امکانات و حمایتها را فراهم سازند و بستری مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه‌های مختلف فرهنگی ایجاد کنند.

۵. در بسیاری از کشورهای جهان

سینما و تولیدات سمعی و بصری به عنوان استثناهای فرهنگی قلمداد شده و واردات آنها با قید و مقرراتی همراه باشد و بخش دولتی در سطح ملی از این صنعت حمایت کند؛ زیرا این صنعت در پرتو سیطره بی چون و چرای شرکتهای بزرگ و شرکتهای فراملیتی، قادر به خود اتکایی نیست و به حمایت دولت نیاز دارد.

**آینده فرهنگ عربی در آستانه قرن بیست و یکم**

۱. به رغم تواناییهای انسانی، اقتصادی، جایگاه ژئوپلیتیک و سابقه تمدنی جهان عرب، بسیاری از کشورهای عربی در ضعف و ناتوانی به سر می‌برند، در عرصه فرهنگ جدید بین المللی نقش چندانی ندارند و در زمینه‌های متعدد توسعه، شکافی عمیق میان این کشورها و کشورهای پیشرفته دیده می‌شود.

۲. ارتباط ما با جهان پیرامون مان براساس واقع‌گرایی شکل گرفته است و دیگر گفتار ایدئولوژیک سنتی و سردادن شعار فایده‌ای ندارد. بنابراین، باید با افزایش

دخالت دولتها در امور فرهنگی به شدت کاهش یافته است. به عنوان مثال، در سال ۹۷-۱۹۹۶ از بودجه شورای ملی هنر در ایالات متحده آمریکا به مقدار ۴۰ درصد کاسته شد. همچنین در کشورهای کمونیستی سابق به دلیل فروپاشی نظام سیاسی - اقتصادی حمایت چندانی از بخش فرهنگ صورت نمی گیرد. با توجه به اینکه سرمایه گذاری در امور فرهنگی چالشی بزرگ به شمار می آید، همکاری بخشهای دولتی و خصوصی و نهادهای جامعه مدنی برای کمک و پرورش فرهنگ یک جامعه، راه حل مناسبی می باشد.

۶. پیشرفتهای اخیر در عرصه رسانه های گروهی و شبکه های ماهواره ای و

تسلط کامل رسانه های دیداری باعث احساس خطر و ترس کشورهای ضعیف شده است؛ زیرا این رسانه ها به راحتی شیوه های زندگی در کشورهای پیشرفته را نشان می دهند. از سویی دیگر، نباید ضعف رسانه های داخلی را کتمان کرد. این رسانه ها در تهیه مطالبی که بر افکار عمومی تأثیر گذار باشند، کاستیهای فراوانی دارند و

اسیر سانسور و خود سانسوری و نیازمند به واردات از خارج می باشند. در نتیجه قادر به نمایش جهان عرب، به شکل راستین خود، نمی باشند و به همین دلیل دیگران به نیابت از این رسانه ها و با توهین و مشوش ساختن چهره اعراب مبادرت به این کار می نمایند. حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ نشان داد که جهان یا ما را نمی شناسد و یا به عمد اعراب را به طرز نادرستی معرفی می کند و به همین دلیل است که افکار عمومی غرب نسبت به ما واکنش منفی و دشمنی دارند. زمان آن فرا رسیده است که ایمان بیاوریم که نهضت رسانه ای به معنی ماهواره ها و شبکه های ماهواره ای نیست، بلکه به معنی توان تولید پیامی رسانه ای می باشد.

۷. نخبگان جامعه و فرهیختگان نه تنها می توانند در رشد آگاهیها و رهبری افکار و اندیشه ها در درون جامعه نقش مؤثری ایفا کنند، بلکه قادرند به تحلیل جهان گرایی و ارایه چهره دقیق آن به پیوند جهان عرب و سایر نقاط جهان کمک کنند. شرط اصلی تحقق چنین مسئله ای فراهم نمودن شرایط آزادی و دموکراسی و پر کردن شکاف



# همایش وضعیت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در دوره بعد از نفت و تلاش برای شناخت افقهای آینده

عبدالرضا همدانی

کارشناس ارشد مرکز پژوهشهای علمی و

مطالعات استراتژیک خاورمیانه

مقدمه

وضعیت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بعد از پایان نفت و تلاش برای شناخت افقهای آینده موضوعی است که توجه اقتصاددانان عرب را به خود معطوف ساخته است. بررسی وضعیت کنونی اقتصاد کشورهای منطقه در چارچوب تحولات نفتی و آینده این کشورها پس از پایان یافتن ذخایر نفتی مستلزم تشریح شرایط کنونی منطقه و بازار جهانی و یافتن راهکارهایی برای توسعه اقتصادی و تنوع بخشیدن به تولیدات صنعتی است که با توجه به اهمیت موضوع و وجود وجه تشابه میان ایران و سایر کشورهای منطقه در زمینه اتکاء

بین نخبگان و هیأت‌های حاکمه می‌باشد، به گونه‌ای که دولتها با توجه به آراء و پیشنهادات نخبگان جامعه حرکت کنند و برای تدوین پروژه‌ها و برنامه‌های علمی خود از آنها استفاده نمایند.

۸. آینده فرهنگ عربی یعنی آینده

نسل جوان؛ به این نسل باید توجهی جدی شود و بر روی آن «سرمایه‌گذاری فرهنگی» صورت گیرد. ما باید نسلی را پرورش دهیم

که از والاترین ارزشهای تمدن خود، یعنی تسامح، میانه‌روی و گشایش بر دیگران برخوردار بوده و در استفاده و بهره‌برداری صحیح از دانش و فناوری عصر خویش نیز توانمند باشد. این یک مأموریت دشواری است که برای تحقق آن باید سه نهاد اصلی یعنی خانواده، مدرسه و جامعه مدنی دوشادوش یکدیگر تلاش کنند.